

اما وجود و ماهیة که امریست اعتباری و خیالی و قرآن از موهومات گفتگو نمیکند. اما امکان و جوب، اینهمه آیاتیکه دلالت بر فناء مخلوق و بقاء خالق میکند عبارت از همانست. اما ناموس جاذبه نیوتن، اگر بخواهیم وارد میدان تأویل شویم در قرآن بسیار است. ولی این آیه که خدا میفرماید (آفرید آسمانها را بدون پایه که شما او را به بینید و نهاد در زمین کوه های ثابتی که حرکت ندهد شماره سوره لقمان آیه ۹) محتاج بتأویل نیست زیرا آن پایه که آسمانها را نگاه داشته و دیده نمیشود همان ناموس جاذبه است و در قسمت آخر آیه هم که بیان حکمت خلق کوهها را مینماید اشاره است باین معنی و معانی دیگر که این مقام مناسب ذکر آن نیست

### ✽ خواب مقناطیس و احضار روح ✽

کسیکه تا کنون خواب مقناطیس را بچشم خود ندیده نمیتواند باور کند. چنانکه بیشتر اشخاصیکه ندیده اند اعتقاد بصحتش ندارند از آنطرف هم کسانی هستند که ندیده و نسنجیده باو اعتقاد دارند بگمان اینکه علم این معنی را ثابت کرده. در صورتیکه اساس علمی ثابتی ندارد. گرچه برای این کار دلیل هائی ذکر کرده اند (که شخص قوی میتواند در ضعیف تأثیر کند و اراده و فکر و شعور او را مالک شود) ولی بر روی اساس علمی نیست

با همه اینها خواب مقناطیسی چنانکه عملاً دیده شده ثابت است و امروز کمتر کسی است که او را انکار نماید زیرا امتناع عقلی ندارد و عملاً هم دیده ایم گرچه پیش از آنکه به بینیم نمیتوانستیم باور کنیم اما احضار روح: اینهم مبنی بر اساس علمی نیست و مدتهاست

مورد قیل و قال دانشمندان است. بعضی هم آثاری از این کار درست یا نادرست نشان داده اند ولی من هنوز نتوانسته ام اعتقاد بصحتش پیدا کنم. زیرا ما کسانی را که مدعی احضار ارواح بوده اند دیده ایم که عملیاتی کرده اند ولی جوابی که بما داده اند مطابق واقع نبوده بساست که بگویند چنانکه شخص قوی تأثیر در اراده ضعیف میکند و باین وسیله خواب مقناطیس عملی میشود. ممکن است تأثیر در اراده میت هم بنماید و احضار روح عملی شود. جواب او این است که تأثیر قوی در اراده ضعیف، بواسطه خلایای دماغ است که پس از مرگ از بین میرود

بلی روح البته همیشه زنده و باقی است لکن گفتگودر گفتن و شنیدن اوست، که اثباتش محتاج به براهین علمی یا عملی است تا بتوانیم او را باور کنیم و این برهان هم بسی دشوار است. لذا ما هم صبر میکنیم تا وقتی که از روی تحقیق چشم خود به بینیم. گذشته از اینکه ما هر کس را که می بینیم احضار روح میکند هر روحی را که می آورد میگوید در بهشت است مگر درهای جهنم را یکسره بسته اند!!

ولکن با همه اینها که من الان باو ایمان ندارم انکار آنرا هم نمیکنم، زیرا شاید بیاید زمانی که صحتش در نزد من ثابت شود. چنانکه صحت خواب مقناطیس ثابت شد در صورتیکه اعتقاد بصحتش نداشتیم.

با اینکه میان این دو فرق بسیار است و اگر هم صحت این عمل ثابت شود عبارت است از قرائة افکاریکه شبیه بخواب مقناطیس است

در میان خواب مقناطیس و احضار روح با رادیو و احضار صوت شباهت تامی است با این فرق که آن دو مبنی بر اساس علمی صحیح نیست و این دو (رادیو و احضار صوت) اساس علمی ندارند

مدتی است که بعضی از مجلات علمی گفتگو دارند که آیا ممکن است آلتی اختراع شود که بتوان بوسیله آن صدای کسانی که در زمانهای گذشته بوده اند بشنویم؟ اخیراً این موضوع بصورت تازه درآمده. مجله الستر اسپون فرانسه خبری منتشر کرده حاصلش این است: که مری کونی عالم مشهور ایتالیایی تجربه‌هایی برای این کار بعمل آورده که باعث امیدواری او شده و در صد است که حدیث کند تا از تجربیات خود نتیجه بگیرد و این آلت را تهیه نماید. این امریست بسیار عجیب که در نظر اول خیال شیطانی بنظر میرسد (بعقیده نگارنده در نظر آخر هم خیال شیطانی است) <sup>خبر</sup> قبول کردن این معنی را بر ما آسان کرده و ما را منتظر وقوع این امر گذاشته

راه علمی او این است: که صدائی را که ما میشنویم سبب این است که از هر صوتی در هوا موج‌هایی پیدا میشود و آن موج‌ها در هوا منتشر میشود تا بگوش ما میرسد. صدای مردمان گذشته هم در هوا تموجاتی ایجاد کرده و علماء اثبات کرده اند که این تموجات در هوا باقی است لکن هر چه از زمان او بگذرد ضعیفتر میشود و نمیتوان گفت که بکلی معدوم میشود. اینکه ما نمی‌توانیم آنرا بشنویم نه برای اینست که صدا از بین رفته باشد بلکه بواسطه ضعف اوست که گوش ما نتواند درک کند بنا بر این اگر ما نتوانستیم آلتی اختراع کنیم که این تموجات را قوت دهد بطوریکه گوش ما بشنود، آنوقت میتوانیم سخن‌های گذشتگان خود حتی صدای آدم و موعظه‌های عیسی و محمد را بشنویم. لیکن همه اشکال در این است که چگونه باید آلتی ساخت که آن اندازه حساس باشد که بتواند صدائی را که قرون بسیار بر او

گذشته قوت دهد تا گوش ما آنرا بشنود

این امر بسیار شبیه بافسانه های جن گیران است . و جای آن دارد که از او تعجب کنیم بیشتر از تعجب از احضار روح . لیکن می توان باحضار صوت از طریق علمی پی برد و از جهت اینکه برای خوانندگان تصورش آسان شود و از این معنی وحشت نکنند کیفیت رادیو و شباهت آنرا با آلت احضار صوت بیان می کنیم . رادیو آلتی است که اگر کسی در پاریس در مقابل آن نطقی کند آن آلت صدرا را تبدیل بتموجات کهربائی کرده و در هوا منتشر میکند تا در محل شما بیکرشته سیمهائی که در هوا معلق است بر میخورد و این سیمها متصل است بآلتی که این تموجات را تبدیل بصوت می کند و ما آن صدرا می شنویم در صورتیکه از جای خود حرکت نکرده ایم .

پس اگر ما وجود این آلت را بچشم خود دیده ایم و تصدیق کرده ایم ، باید احضار صوت را هم از وجهه علمی تصدیق نمایم . ولی فرق بین رادیو و این آلت این است که وجود رادیو دور از عقل نیست ولی وجود این آلت دور از عقل بلکه نزدیک به محال است که يك آلتی بتواند این تموجات نزدیک بعدم را تبدیل بصوت کند

در اینجا اشکال دیگری است که این تموجات بسیار که از اصوات بیشمار در هوا ایجاد شده مخلوط بیکدیگر است ، پس چگونه میتوان اینها را از یکدیگر جدا نمود . مجله الستراسیون گوید: که باید آلتی برای این دستگاه تهیه نمود که برای صدای هر شخصی یکی از آنها حرکت کند . اینهم باعث اشکال دیگری است که اصوات نامحدود است بنا بر این محتاج بآلت های نامحدود خواهد بود ترجمه سید حسین بدلا